

آینه

بهار

یادداشت: «ظریف و مذاکرات هسته‌ای»؛ سیدسلمان صفوی

گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که غرب هیچ‌یک از دیدگاه‌های افرابطی و زیاده‌خواهانه خود را که به عدم‌توافق ایران و آژانس درباره مدالیته منجر شده، تغییر نداده است. واقعیت این است که دو طرف شدیداً به یکدیگر بی‌اعتمادند و هیچ گام عملی برای برطرف کردن این دیوار بی‌اعتمادی در اسرع وقت وجود ندارد. بر فرض محال، حتی اگر ایران سیاست‌های هسته‌ای خود را تعطیل کند و کلید آن را تحویل غربی‌ها بدهد، باز هم آنها در کوتاهمدت به ما اعتماد نمی‌کنند.اعتمادسازی به‌عنوان کلید حل وفصل مناقشات ایران و غرب، یک پروسه طولانی است که از طریق رفت‌وآمدهای ممتد مقامات دوطرف، لابی‌سازی در پنج کشور ذی‌نفوذ بین‌المللی و منطقه‌ای آمریکا، انگلیس، فرانسه، عربستان و… برداشتن گام‌های عملی محسوس، فضا‌سازی رسانه‌ای در رسانه‌های جهانی- و آ‌ن‌های فکر غرب- و محافل پرنفوذ جهانی نظیر «بیلدربرگ» و «داووس» حاصل می‌شود. بنابراین تیم جدید هسته‌ای باید در جهت پوشش و تعامل سازنده با همه این کشورها و سازمان‌های تاثیر گذار گام‌های جامعی بردارد.

رأی‌رئیت

سرمقاله: «هولوکاست؛ افسانه یا واقعیت؟!»؛ محمد کاظم انبار لویی

آقای طرف‌یادید موافق حرف زدن خودش باشد اول‌تردید در هولوکاست مربوط به آن مرد نیست، مربوط به دانشمندان بزرگ اروپایی است. ثانیاً آن مرد ۸۰سال رئیس‌جمهور مملکت و رئیس دیپلماسی کشور بود و شما هم در دولت او یک دیپلمات بودید، لذا باید از او با احترام یاد کنید. ثالثاً نام او پشت رهبران صهیونیست را به لرزه در آورد آن هنگام که در لبنان صوف فشرده مردم لبنان به استقبال او رفته و او رفت در مرز لبنان و رژیم صهیونیستی، به نمایندگی از ملت ایران و مسلمانان جهان اقتدار ایران و جهان اسلام را به رخ رژیم صهیونیستی کشید و از مردم آن سامان به دلیل جنگ بیروز ۳۳ روزه تجلیل کرد، رابعاً قرار نیست وزیرخارجه اگر گله‌ای از سیاست خارجی دولت قبل دارد آن را با خاتم کرستی پلوسی، دختر تانسی پلوسی رئیس سابق این مجلس نمایندگن آمریکا در شبکه اجتماعی توئیتر در میان بگذارد. او باید درماعت عزت، حکمت و مصلحت جمهوری اسلامی را بنماید و از همه مهم‌تر حافظ اقتدار ملی ایرانیان در برابر منشی تبهکار صهیونیست باشد.

اعتراض

یادداشت: «نکوهش تعقیف تحزب؛ فاطمه را کعی درباره اتفاقی که در انتخاب شهردار تهران در شورای شهر افتاد، باید متذکر شد که این مساله از دو شکل خارج نیست. یا خدای ناکرده افسردگی روی تعهدات حزبی خود پا گذاشته‌اند یا احیاناً با انتباهی‌ترین مسایل کار تشکیلاتی و التزام به تعهدات سیاسی جمعی و گروهی آشنایی نداشته‌اند که در هر صورت اتفاقی ناخوشایند و نامطلوب است و امید آن می‌رود با تلاش‌های فرهنگی بیش از پیش در حوزه تحزب و کار تشکیلاتی دیگر هرگز شاهد اینگونه رویدادها نباشیم.
بدیهی است که برخورد اصلاح‌طلبان با این قضیه اعتراض به نقض یک تعهد اخلاقی و تشکیلاتی است و این قطعاً به معنی انتقاد به انتخاب شهردار محترم تهران نیست که امید می‌رود با توجه به تجارب هشت‌سال گذشته به بهترین وجه در خدمت شهر تهران و شهروندان این شهر بزرگ یکنش باشند.

کیم‌سان

سرمقاله: «دیکتاتورهای کوچولو!؛ حسین شریعتمداری

برخورد دیکتاتورمآبانه با خاتم راستگو اگرچه در محدوده و فضای شورای شهر تهران اتفاق افتاده است ولی مدعیان اصلاحات تلاش فراوانی دارند که دامنه این رخداد و برخورد دیکتاتورمآبانه خود را به تمامی سطوح جبهه اصلاحات گسترش دهند و این تلاش با برسرودایی فراوان-تاکید می‌شود با برسرودایی فراوان و نه مخفیانه و پنهان- نیز صورت پذیرفته و هنوز هم ادامه دارد. رویکرد جدید مدعیان اصلاحات در اعلام دیکتاتوری آشکار و اصرار بر آن- با عرض پوش- عمدی است و در مواردی با عملکرد برخی از گروه‌ها و جریانات وابسته نظیر طالبان، تکفیری‌ها، منافقین و… بی‌شباهت نیست- در مثل که مناقشه نیست… برخی از این «دیکتاتورهای کوچولو» با نماندیی از کسب پایگاه مردمی، در پی ردوبدل کردن پیام به آن سوسو مرزها هستند و اگر چنین نیست – که امید است نباشد- چه اصراری دارند که این همه برسرودا و میاهو و به‌طور رسمی و بی‌برده خود را دیکتاتور معرفی کنند؟!

چرا

یادداشت: «جوانمردی زنان و نامردی مردان»؛ محمدحسین جعفریان

طی هشت‌سال گذشته بسیاری از دوستان دور و نزدیک ما که گرایشات سیاسی متفاوتی از اصولگرایان داشتند جملگی شعاریهای فراوان می‌دادند از «زند با مخالف من» تا احترام به استقلال رأی افراد تا مردم سالاری و… کلی حرفهای فشنگ دیگر- خاتم راستگو معضوب شد! اما نشان داد هنوز هم جوانمردی ولو از سوی سیاستمداران زن در این حرفه نمرده است. اما در اتفاق جدید دوستان دیروز ما با آن شعاریها رنگارنگشان، امتحان بدی پس دادند تا مردم بهتر برخی را بشناسند!

جموری اسلامی

سرفت بزرگ از سازمان میراث فرهنگی

سرفت بزرگ از سازمان میراث فرهنگی، خبر جدیدی است که صحنه دیگری از رویدادهای تلخ سه‌سال‌ای اخیر را به نمایش می‌گذارد. ۴۷هزار جلد کتاب و اسناد مربوط به کوشش‌های باستان‌شناسی و نقشه‌های اوزارلیدی از بنهای باستانی به‌همراه هزاران قطعه عکس‌های تاریخی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور به بیما رفت و نابود شد.

شکایت ۱۰۰ استاد به وزارت علوم

مهم است که مجلس تصویر مبهمی از من نداشته باشد

یعنی نظام پذیرفته که ویژگی‌های دانشگاه

اسلامی پرداختن به همین موضوع است و باز کردن فضای بحث، تبادل‌نظر و گفت‌وگو فارغ از تنوع در سلیقه‌ها و گرایش‌های عقیدتی سیاسی است، به نظر من این نقطه قوتی است که در سند دانشگاه اسلامی آمده و من هم با تمام امکانات از این فضا حمایت خواهم کرد. یکی از ابزارهایش هم همین تقویت کرسی‌های آزاداندیشی است. منتها دانشگاه‌ها حتما باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که به معنای واقعی این کرسی‌ها، کرسی‌های آزاداندیشی باشند یعنی اینکه فضایی باشد به‌دور از هرگونه فضای امنیتی، به‌طوری که دانشگاهیان با آرامش و بدون اضطراب در محیط دانشگاه عقاید خود را ابراز و تبادل‌نظر کنند. برای نظام یک فرصت است که تلاش کنیم فضای دانشگاه باز باشد و تشککل‌های مختلف دانشگاهیان، دانشجویان، اعضای هیات علمی و کارکنان در این فضا نظرات خودشان را ببیان و بحث و تبادل‌نظر کنند. این مساله به کیفیت علمی دانشگاه هم کمک می‌کند.

۴ برای دستیابی به این فضا استقلال دانشگاه‌ها حایز اهمیت است؛ به‌رحال بحث استقلال دانشگاه‌ها از زمان دولت اصلاحات مطرح بوده، به نظر می‌رسد در همان دوران هم نهادهایی لازم صورت نگرفت، اگر وجه مستقل بودن دانشگاه هم با سازوکار رسمی و قانونی به رسمیت شناخته می‌شد، تغییر روسای جمهور سبب تغییر نگاه‌ها بر وزارت علوم و دانشگاه‌ها نمی‌شد و شاهد عزل‌ونصب‌ها آن گونه نبودیم. همان‌طوری که کانون وکلا با تمام مشکلات استقلال خودش را دارد یا تغییر در دانشگاه آزاد به دلیل نهادهایش خیلی سخت‌تر از دانشگاه‌های دولتی است. چه برنامه‌ای دارید که از طرف وزارتخانه یا روسا برنامه تحمیلی به دانشگاه ارایه نشود و آنها مستقل‌تر عمل کنند؟
همینطور که فرمودید مهم‌ترین گام برای استقلال دانشگاه‌ها در قانون برنامه چهارم توسعه برداشته شد که بند الف ماده ۴۹ که در آنجا به صراحت آمده اندیشه‌گاهها، مراکز پژوهشی، فرهنگستان‌ها با مصوبات هیات امنای خودشان اداره شوند. از نظر اداری، مالی، استخدای، تشکیلاتی و برنامه‌ریزی تابع مصوبات هیات امانا هستند که البته باید به تایید وزیر برسد.

۴ اما اجرایی نشده است.
بله. از نظر من تصویب این قانون اوج اعتمادی است که یک نظام به دانشگاه خودش می‌کند. این ارزشمند است و از دولت، مجلس و شورای نگهبان باید تقدیر و تشکر شود و باید با یک‌بار بازنگری این قانون تصویب شود. خوشبختانه در سرآمد ۲۰ برنامه پنجم توسعه هم این ماده تقویت و تکرار شد بنابراین این روند نشان می‌دهد که اراده نظام بر این است که استقلال عملیاتی دانشگاه‌ها به رسمیت بشناسند پس اگر مشکلی در این باب بوده است آن را باید در نحوه اجرا جست‌وجو کرد.

این اجرا در دوره اصلاحات هم دچار مشکل شد، به دلیل عدم نهادسازی، سال‌ها قبل از تصویب این قانون در سال ۸۴ که شروع برنامه چهارم توسعه هم بود وزارت علوم تمام اختیارات عملیاتی خود را به دانشگاه واگذار کرد که سوابق آن موجود است. آنجایی که اختیار به قانون نبود این روندی بود که از سال ۷۶ شروع شد و در سال ۷۷ برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها واگذار شد و ادامه پیدا کرد. بعضی از دلایلی که این قانون اجرا نشد نقطه مقابلش اجرا شد یعنی قانون محدودتر شد به‌خصوص در فاصله سال‌های ۸۸ تا ۹۲ بیشتر تمرکزگرایی در مدیریت آموزش عالی کشور به وجود آمد.

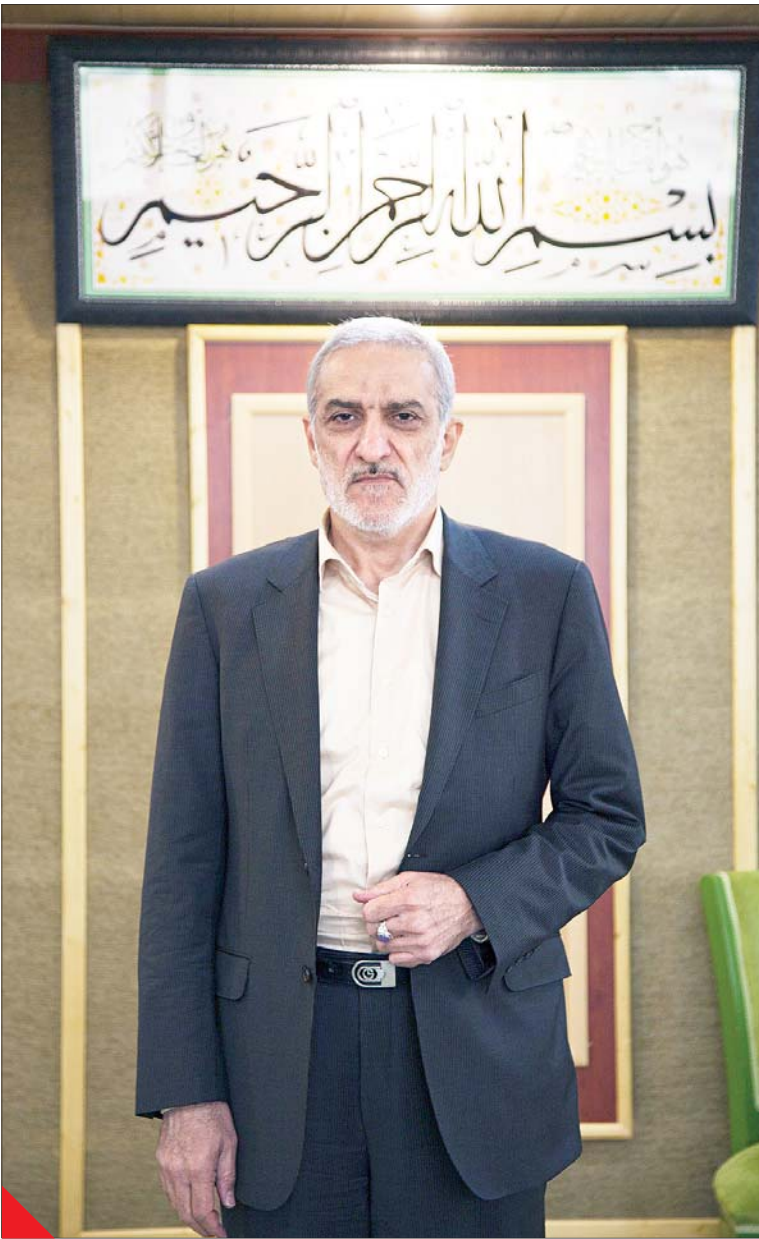
۴ دلیل ایجاد این تزگرایی چه بود، مگر قانون بر استقلال دانشگاه‌ها تاکید نداشت؟

اعتقاد من این است که شاید چندان اعتقادی به قانون در عمل نداشتند و سبک دیگری را در مدیریت خود پیش گرفتند ولی اگر توفیقی باشد و من در این مسـوولیت باشم این قانون را اجرایی خواهم کرد هر چند بخش‌هایی از آن اجرایی هم شده است. اما بیش از این هم جای کار دارد البته در سند دانشگاه اسلامی هم آمده که از دخالت نهادهای بیرونی در دانشگاه پرهیز شود. این آفت دانشگاه‌هاست که استقلال هویتی، شخصیتی و فکری خود را از دست دهند و تابع جریان‌های بیرون از دانشگاه باشند.

۴ یعنی به سمت مدیریت هیات‌امنایی پیش خواهیم رفت، مدیریتی که زمینه‌ساز تقویت استقلال دانشگاه‌ها می‌باشد؟

سیاست

سیاست



مهدي کروبي

برکناری هیچ فضا‌سازی نداشته‌اند. بعدتر هم ماجرای برکناری پروفیسور ثبوتی از دانشگاه زنجان اتفاق افتاد و هیچ عکس‌العملی صورت نگرفت، آیا رفتار سیاسی و جناحی پشت این ماجراست؟
اولا مطبوعات از لفظ برکناری استفاده می‌کنند و من آن را نمی‌پسندم. ما از زحمات روسا و معاون قبلی تقدیر و تشکر کردیم. البته تغییر و تحول هم یک واقعیت است و باید افرادی با انرژی بیایند و به دیگران هم فرصت دهیم. اما این موضوع به هیچ‌وجه به این معنا نیست که از افراد، نقطه ضعف و تخلف گرفتیم و عزل شدند. تنها کافی است که با دولت‌های قبل مقایسه آماری کنید که در یک ماه تقریباً ۵۰ جایه‌جایی داشتند. واقعیت بحث من سیاسی نیست. من سرپرست هستم و تا وقتی این مسـوولیت را برعهده دارم براساس اختیارات قانونی‌ام مصلحت را انجام می‌دهم و سعی می‌کنم در جهت پیشرفت علمی کار کنم.

۴ اولوکلراییان در تمام این سال‌ها، در برابر اخراج استادان و دانشجویان سکوت کردند و حالا برکناری رئیس دانشگاه علامه طباطبایی موجی از اعتراض‌ها به راه انداخته. فکر نمی‌کنید خیلی در برابر اعتراض‌ها سکوت کرده‌اید؟
من بنا را بر جواب‌دادن نمی‌گذارم و وارد فضای سیاسی نمی‌شوم. نحوه مدیریتی من اینگونه است. به صلاح نمی‌دانم که در عرصه افکار عمومی بخواهم بحث و گفت‌وگوی سیاسی بکنم. رفتارهای ما مدیریتی، کارشناسی و علمی است و به فکر توسعه علمی کشور هستم. اگرمسائله‌ای از هیات‌هایی هستند که رسیدگی کرده و جواب می‌دهند.

۴ مصاحبه اخیر شریعتی با روزنامه کیهان طوری است که شخصیت استادان زیر سوال می‌رود، برای این مسـاله به شکل خاص کاری کرده‌اید؟
دانشگاه علامه در این زمینه بیانیه داده، سیاست وزارت علوم نیز بر این است که با تمام توان از حرمت استادان دانشگاه و اعضای هیات علمی دفاع کند، همواره این کار را کرده‌ایم و برای دفاع از شأن استادان سر قلم هستم. اما اگر بخواهیم رویه استقلال دانشگاه‌ها را دنبال کنیم، واکنش به این موضوع را به ریاست دانشگاه می‌سپاریم. خوشبختانه دانشگاه با انتشار به موقع بیانیه در این زمینه هشدارهای لازم را داده و مسایل را روشن ساخته.

۴ و در مورد انبوه اخراج‌ها و بازنشستگی‌ها چطور؟
درباره بازنشستگی‌ها و اخراج‌ها یک کمیته تشکیل دادیم که هر کس مطالبه‌ای دارد و فکر می‌کند که حقی از او ضایع شده می‌تواند به آن مراجعه کند. همین حالا ۱۰۰ استاد شکایت و مسایل خود را به وزارت علوم فرستاده‌اند.

۴ در نامه‌های برای لغو بورسیه به کمبود منابع مالی اشاره داشتید، آیا واقعا ماجرای کمبود مالی بود یا نام برخی اقازاده‌ها در فهرست مطمئن باشید، به‌تمام اینها رسیدگی می‌شود.

بورسیه امسال بود؟

ببینید، نامه من در این زمینه صرفاً برای جلوگیری از ایجاد تعهدات بود و بس. پس جلو چیزی گرفته نشده. انگیزه من مالی است. اما اینکه بورسیه‌ها مطابق ضابطه بوده یا نه، باید بررسی شود. ما در این زمینه پیگیری می‌کنیم. اما بحث اصلی نامه من، صرفاً کمبود مسایل مالی و اعتباری بوده و تعهدات قبلی را زیر پا نگذاشته‌ام. این خبر را بگو که آن مساله مرتفع شده و در این زمینه دوباره شروع به فعالیت کردیم و برای سال بعد اطلاعیه بورسیه خواهیم داد.

۴ بین پایبندی به اصول و افتادن کدام را انتخاب می‌کنید به کدام پایبندید؟

بنده سابقه روشنی دارم. از ۴۰ سال پیش تا الان در خدمت انقلاب هستم، به اندازه عمر همین انقلاب سابقه مدیریتی دارم و رفتار و دیدگاهم مشخص است. بنا ندارم به‌خاطر رای اعتمادگرفتن چیزی را غریب‌وقوع‌بینانه جلوه دهم. تمام تلاشم پس از درخواست روحانی و که آنچه هستم را ارایه دهم تا مجلس با شناخت دقیق از من رای دهد، رایی که هر چه باشد، برای من محترم است. **۴ همه ضررها مادی نیست، علاوه بر اخراج و بازنشستگی اجباری برخی استادان، هزینه‌های معنوی بر زندگی خانوادگی و خصوصی آنها بار شده، خانه‌نشینی برای برخی استادان با افسردگی و عدم‌رضایت از زندگی توام شده، حالا هم که آقای شریعتی با برخی مفت‌های انتقاد برانگیز، از استادان دانشگاه علامه اسم برده‌اند.**

این نکته شما جدید است. حداقل وظیفه ما این است که حقوق از دست رفته آنها را برگردانیم. چه استادان بازنشسته‌ای که به ناحق از محیط دانشگاه کنار گذاشته شده‌اند و چه دانشجویی که از حق تحصیل محروم شده. این کف مطالبات است. اما وزارت علوم از اینکه پژوهش مستقلی در این بخش انجام، استقبال می‌کند، بسیار در‌خور اهمیت است که بتوانیم میزان آسیب وارده‌به به استادان را در این سال‌ها بررسی کنیم، چه آسیب‌های مادی و چه آسیب‌های معنوی.

۴ گروهی از دانشجویان، ستاره‌دار شده‌اند و این‌روزها پیگیر مطالبات خود هستند و تعدادشان به هزار نفر می‌رسد، آیا دانشگاه‌ها ظرفیت بازگشت تمام این دانشجویان را در اختیار دارند و اینکه آیا شما بر قول تان پایرجا هستید؟

در بازگشت دانشجویان ستاره‌دار به دانشگاه‌ها تردیدی نیست، چراکه این جزو حقوق شهروندی است و نظام اسلامی اجازه نمی‌دهد که حق هیچ‌کس پایمال شود. خوشبختانه برای بازگشت همه این دانشجویان ظرفیت کافی وجود دارد. هر وقت مشخص شد که آن دانشجو واقعا به ناحق از تحصیل بازمانده، باید به وضعیت او رسیدگی شود. **۴ از دانشگاه خواه‌نمیر و فردوسی خبر رسیده که بازنشستگی شتاب‌زده و لغو قرار داده‌ها هنوز در جریان است.** مطمئن باشید، به‌تمام اینها رسیدگی می‌شود.

نگاه

تصویری از توفیقی



شوبا، مصباح
دبیر کانون علوم اداری ایران

● در زمان دولت آقای خاتمی که مسوولیت وزارت علوم با سرپرست فعلی این وزارتخانه بود، مشاورت معاونت نیروی انسانی ایشان را بلاعوض و صرفاً برآمده از باور خود در ارتباط با دبیری کانون علوم اداری ایران، وظیفه خود می‌دانستم. از نزدیک در پوشش کانون بازنشستگان این وزارتخانه نیز با این چهره آرام، خوش‌فکر، بزرگوار، استاد اخلاق، باشخصیت و به قول معاونش «دکتر خالق» وظیفه‌شناس و مقاوم و… در تماس و شاهد بودم که بعد از مرحوم حبیبی مناسب این مسوولیت حساس، خطیر و کلان. – دیدار او به سادگی و با حداقل تشریفات ممکن بود و گوش شنوا داشت. – او به جد معتقد است که بایستی کادر علمی، قوی‌ترین، خوش‌فکرترین، سالم‌ترین، عالم‌ترین و… را از میان خود برای مدیریت گروه‌های آموزشی و ریاست هر دانشگاه برگزینند و این مسوولیت انتصابی نیست.

– باور دارد که دانش‌جویان بایستی در محیط علمی خود آزادانه و بی‌طرفانه چگونگی عملکردها را از هر لحاظ، اصولی و منصفانه نقد کنند و به قول ظریفی «روشنفکر به همه چیز و همه‌کس در ارتباط بوده و با منافع ملی کار دارد»

– او می‌گوید این جامعه جوان، پویا و به‌روز، چشم و گوش هوشیار و بیدار مملکتند و نماینده حداقل ۴۰میلیون قشر جوان تحصیلکرده و مسوول… درست خلاف آنچه طی هشت‌سال گذشته بر جوامع علمی و جوان ما گذشت.

– با تمام وجود طی مدتی که در حاشیه بود، در کسوت یک معلم در مسیر باور عمیق و ارزشمند خود همچون خاتمی می‌کوشید و بر تنور توقعات منطقی و حداقلی «با توجه به همه محدودیت‌ها» می‌دمید، تا ۲۴خرداد به آنگونه از جنس دوم خرداد پدید آمد. – این انسان وارسته می‌داند که دوام و بقای مملکت از هر لحاظ بستگی به پویایی جامعه و آرامش محیط‌های علمی همراه با نقد اصولی و انتخبات بر اساس شایستگی‌ها دارد تا ولفسا و روزمرگی به سر آید و ترازوی دانشگاه‌های علامه و فنی اصفهان و… تکرار نشود.

– حضور مسوولان‌اش در مسجد دانشگاه تهران در پی ماجرای خرداد ۸۸ – با هدف ایجاد آرامش، توصیه به تغل و پرهیز از شتابزدگی و عملیات احساسی و… بود و برخلاف آنچه که مخالفان مغرض او در تربیون‌های خود می‌گویند و می‌نویسند – او می‌داند که تحمل بار سنگین مدیریت تحول در این وادی، با همه ویژگی‌ها در کسوت وزیر علوم دولت تدبیر و امید، بعد از هشت‌سال مدیریت آنجانی، چه مشقاتی دارد و چه مصایب و… – به یقین ایشان پس از درخواست روحانی و مشاوران او ناخدایی این مهم را پذیرفته و از هرگونه جاه‌طلبی، قدرت‌خواهی، مسندنشینی، سهم‌خواهی و… آنچنان که پاره‌ای از مسوولان مستقر در مناصب مختلف مانده، از دولت قبل می‌اندیشند… میرا. – یکبار ندیدم منتظر بازکردن در اتومبیل مقام وزارت بماند یا در عقب اتومبیل در شرایطی که با راننده نه‌تاست، بنشیند.

– به دور از هرگونه تشریفات، متواضع و آگاه است و با اعتقاد به نقش حساس و عظیم وزارت علوم در پیشبرد جامعه، قبول زحمت کرده و می‌داند که آسایش او در حاشیه‌ماندن اوست. به‌عنوان یک دانشگاهی دلسوز مام میهن، در مسیر منافع ملی، اکیدا به رییس‌جمهور محترم و شجاع توصیه می‌شود ایشان را به‌عنوان وزیر پیشنه‌های معرفی و اصلح بداندند و بر مجلسیان است که به‌دور از هرگونه تصورات و تگرایی‌ها با رای بالا او را بر این مسوولیت ابقا کنند و با حمایت کامل و قوی رسالت خود را ایفا… بداندند که عملکرد آنان در این رابطه در خاطر خطیر ملت تحول‌خواه ماندگار است. نمایندگان محترم با توجه به تکلیف قانونی و وظیفه اجتماعی خود که قبول این مسوولیت دواطلبانه و با کوشش بسیار میسر شده… خوب می‌دانند که کسب رضایت جامعه میلیونی تحصیلکردگان جوان مسوول به پرهیز واقعی این عزیزان از هرگونه سیاست‌ورزی و القانات پبروان شعار… است.

ادامه از صفحه اول

اهمیت خط ناخوانده

امروز با دایمن نان جلیل گلشن، محمد بهشتی و دکترحجت در کنار آقای نجفی، مدیر برگزیده میراث فرهنگی دولت تازه، امیدوار شدم که خطوط ناخوانده، خوانده خواهد شد، چراکه هر سه آقایان را می‌شناسم، انتخاب آقای روحانی درست بوده‌است، و انتخاب‌های آقای نجفی باز هم درست‌تر، این افراد چه به‌عنوان رییس میراث، چه قائم‌مقام، چه مشاور یا رییس پژوهشکده، دانش این کار را دارند، می‌فهمند که اهمیت بپداکردن تمدنی تازه در جهان تا چه پایه مهم است، می‌فهمند که اهمیت خط ناخوانده چقدر است؟!